



Global Storybooks

globalstorybooks.net

پښتو

✎ Ursula Nafula
👤 Vusi Malindi

📖 Marzieh Mohammadian Haghighi



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پښتو



✎ Ursula Nafula

👤 Vusi Malindi

📖 Marzieh Mohammadian Haghighi

|| 2

🗨️ فارسي Fa



دِهگده ي مَن مُشكِلاتِ زيادي داشت. ما
مَجبور بوديم كه براي بُردنِ آبِ از يك لوله
دَر يك صَف طولاني بایستيم.

لوتیو

ما منتظر بخشش غذا از طرف دیگران





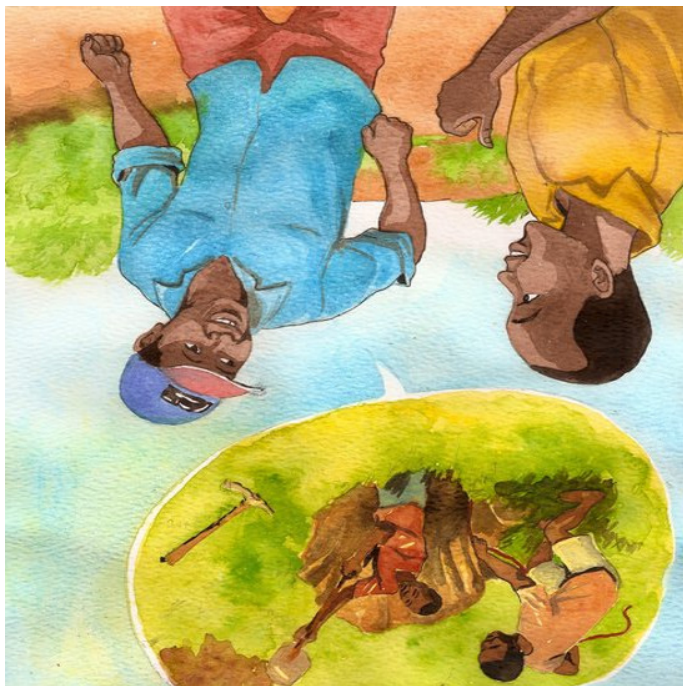
ما دَرِ خانِه هلاپلان را به خاطرِ دُزدانِ زود
قُفل می‌گردیم.



همه ما یک صدا فریاد زدیم: ما باید
زندگیان را تغییر دهیم. از آن روز به بعد
همگی با هم کار کردیم تا مشکلاتمان را حل
کنیم.

چاه بکنند.

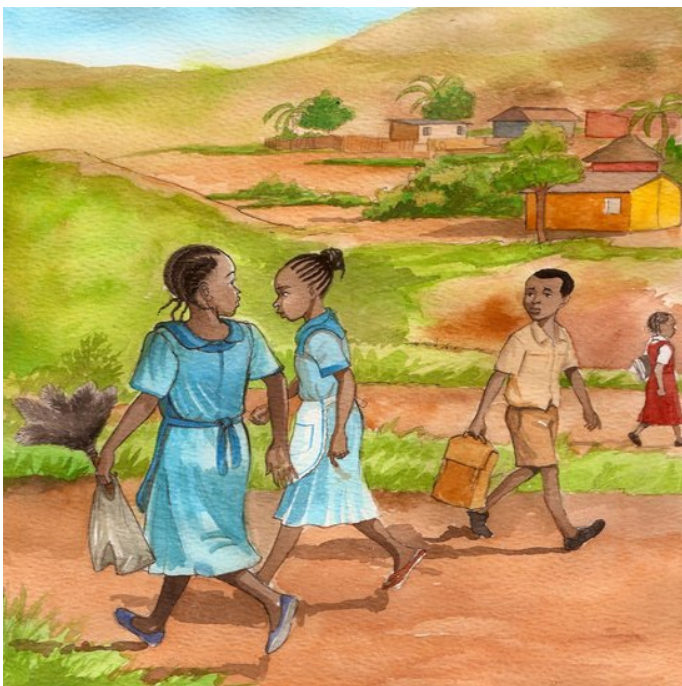
مرد دیگر ایستاد و گفت: مردها می توانند



می زنند.

مردم مدرسه محروم
خجلی از بچه ها از مدرسه محروم



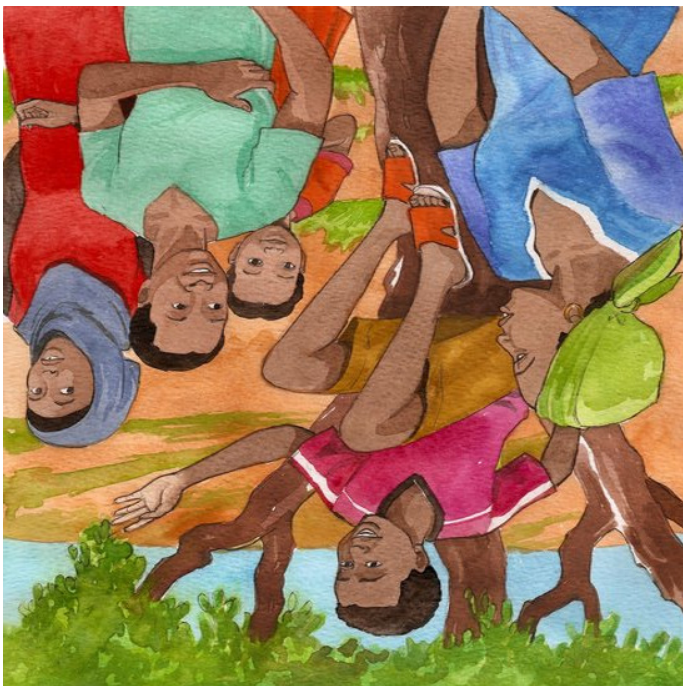


دُخترانِ جَوانِ به عُنوانِ پيشِخدمَتِ دَر
روستاهایِ ديگر کار می کردند.



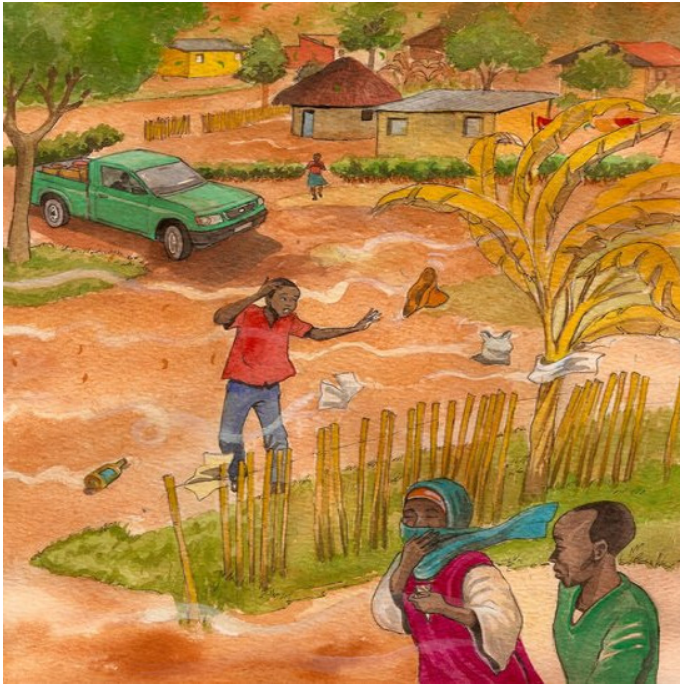
يک خانم گفت: زَنها می توانند دَرکاشتَن
مَحصولاتِ غَذايی با مَن هَمراهی کُنند.

خوځلې هېښت سدلې، روڼې ټکې ځنډه یې
 ډرځت نېشسته بود و داد زڼد: من می توانم
 ډر نظامت کړن ځمک ځنم.

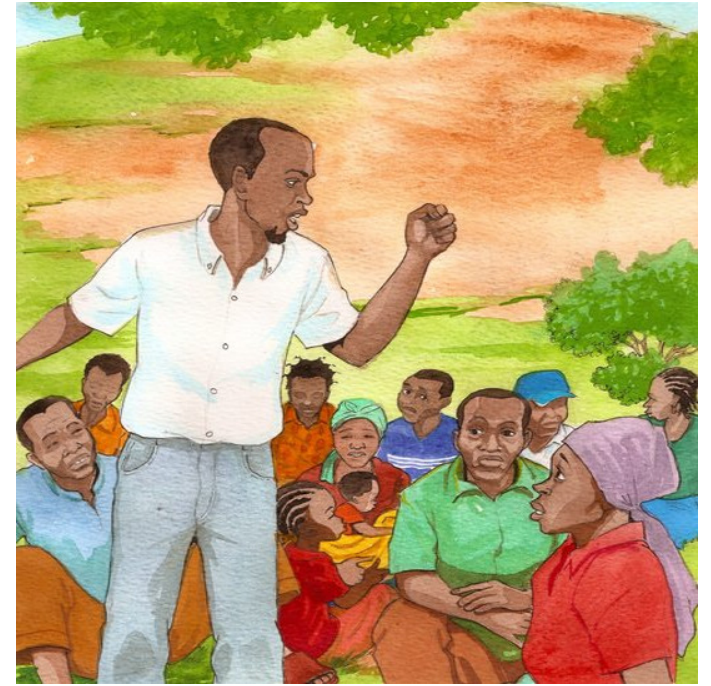


پېسرانې جوانې ډر اطراف ډهځده پړسه
 می زڼد ډر حلیکه ډیگران روڼ زمین هڼې
 ځشاوروڼې مړن ځم میگردنډ.





وَقْتِي كِه بَاد مِي وَزِيد، كَاغْذِهَائِي بَا طِلِه رُوي
 دِرْخْتَان وَ حِصَارِهَا أُويزَان مِي شُدَنْد.



پَدْرَم اِيَسْتَاد وَ گُفْت: مَا نِيَاز دَارِيْم كِه بَا هَم
 كَار كُنِيْم تَا بَتَوَانِيْم مُشْكِلَاتِمَان رَا حَل كُنِيْم.

مردم زیر یک ریختن بزرگ جمع شدند
و گوشی کردند.



گاهی اوقات به خاطر خرد شدن همیشه هاستی
که از روی بی احتیاطی روی زمین ریخته
شده بود مردم و پاشی ریختن بزرگی
می شد.





پک روز، آب لوله خُشک شُد وَ ظَرْفِلهِ آبی
ما خالی ملاند.



پدَرَم به تَک تَکِ خانِه هَا رَفت وَ آز مَرْدُم
خواست که دَر جَلِسه یِ دِهگده شِرگت
کُنند.